

مطالعه تطبیقی عقد بیمه در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

شهزاد اکرامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱

چکیده

بیمه به عنوان صنعتی گسترده که از ابزارها و مکانیسم‌های مختلفی در جهت ایجاد آرامش روحی و روانی حائز اهمیت می‌باشد این صنعت بدون در نظر گرفتن قوانین وابسته به آن هرگز نمی‌تواند موفق عمل نماید، به عبارت دیگر قوانین بیمه، خود عاملی در جهت اعتماد مردم و شرکت‌ها به آن شده، و آن‌ها را ترغیب به سرمایه گذاری در صنعت بیمه می‌نماید. از سوی دیگر قوانین اسلامی نیز که به جهت رفاه و امنیت روحی و جسمی مسلمین وضع شده، در بسیاری از زوایا و ابعاد دارای وجوه مشترک با بیمه دارد به گونه‌ای که با مطالعه قواعد فقهی، عقد ضمان، هبه متوجه آن خواهیم شد که بسیاری از فقها در قریب به اتفاق موضوعات با بیمه و اقسام آن موافق می‌باشند هر چند وجود برخی از قواعد فقهی، که با برخی از اقسام آن مخالفت می‌ورزند، ولی در مجموعه می‌توان قوانین فقهی را از عناصر موثر در تنظیم قوانین حقوقی بیمه به شمار آورد. تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی موضوع عقد بیمه در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. زیرا وجود اصل ۴۴ قانون اساسی و اصرار قانونگذار به استفاده از بیمه و فواید آن، موجب گردیده که قانونگذار در خصوص مبحث صنعت بیمه، با وضع قوانینی که اتفاقاً با تأسی از قوانین فقه اسلامی می‌باشد، گام‌هایی اساسی و مطمئن در این حوزه بردارد. که این خود بیانگر آن است که نظام حقوقی ایران اعتبار ویژه‌ای برای صنعت بیمه و قراردادهای حاصله از آن قائل است.

واژگان کلیدی: عقد بیمه، نظام حقوقی ایران، فقه امامیه



مقدمه

امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت تا فواید صنعت بیمه را نادیده بگیرد. در کشورهای متری و توسعه یافته، در تمامی فعالیت‌های اقتصادی، بدون حضور یکی از شرکت‌های بیمه و یا بدون انتخاب یکی از اقسام بیمه، معامله‌ای انجام نخواهد پذیرفت. قراردادهای بیمه به گونه‌ای گسترش و توسعه یافته‌اند که تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسان را در بر گرفته‌اند به گونه‌ای که حتی حیات آدمی نیز در بیمه عمر مورد قرارداد و مذاکره بین طرفین قرار می‌گیرد.

این عامل موجب گردیده تا کشورهای در حال توسعه نیز، مکانیسم‌هایی را فراهم آورند تا با جذب سرمایه‌ها در صنعت بیمه، نسبت به شکوفایی سایر بخش‌های صنعت نیز گام‌هایی اساسی بردارند. از سوی دیگر قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران به جهت تأسی از قوانین فقه اسلامی، در این حوزه نیز قوانینی را تنظیم نموده است، از آن گذشته سابقه دیرینه صنعت بیمه در کشور، و پیروی از اصول و قواعد اسلامی در تنظیم قوانین بیمه موجب گردیده تا طرفین عقد بیمه از حمایت‌ها و ضمانت اجرایی قوانین وضع شده آسوده خاطر باشند. اما به جهت برخی ناآگاهی‌ها در حوزه قوانین بیمه در سطح کشور و عملکرد ضعیف برخی از شرکت‌های بیمه، موجب گردیده که تاکنون دو اتفاق مهم به وقوع بيفتد اول اینکه اعتماد مردم نسبت به شرکت‌های بیمه به عنوان عاملین ایجاد آرامش خاطر کم‌رنگ گردد و دوم اینکه کمتر کسی در سطح جامعه به اثرگذاری قوانین فقهی در تنظیم قوانین بیمه آگاهی داشته باشند. که این موضوع خود موجب گردیده تا دامنه فعالیت بیمه در سطح کشور با توجه به سابقه دیرینه آن نسبت به سایر کشورها کمتر باشد. به همین منظور این تحقیق به دنبال آن است که با بررسی در خصوص جایگاه عقد بیمه را در نظام حقوقی و فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهد، نتایج حاصل از تحقیق، موجبات افزایش گرایش مردم به استفاده از اقسام بیمه‌ها را فراهم آورد. بیان مسئله و آنچه به عنوان مبلغی معین به بیمه‌گذار پرداخت می‌گردد عوض ایجاد آرامش و امنیتی است که او متعهد به اجرای آن است و از نظر صاحب‌نظران ارزشمند محسوب می‌گردد (بابائی، ۱۳۸۴) در مشروعیت عند بیمه‌گروهی دیگر از فقها آن را مشتبه با ضمان جریره و نیز دیه عاقله می‌دانند.

انعقاد قرارداد بیمه

بیمه از جمله عقود معین است. لذا علاوه بر شرایط عمومی صحت قراردادها، ممکن است برای صحت عقد شرایط خاصی نیز وجود داشته باشد. و در انعقاد قرارداد بیمه، شرایط خاصی در مورد اهلیت انعقاد



قرارداد وجود دارد. در واقع برای انعقاد قرارداد بیمه تنها اهلیت عمومی تمتع و استیفا کفایت نمی‌کند و تنها برخی افراد حق انعقاد قرارداد بیمه را به نفع خود دارند. اهلیت انعقاد و سمت در عقد بیمه در مبحثی تحت عنوان نفع بیمه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی آنچه که مشخص می‌باشد این است که عقد بیمه در پی حصول توافق طرفین عقد و ایجاب و قبول منعقد می‌شود. از آنجا که تحصیل این توافق نوعاً در پی سیر مراحل صورت می‌گیرد و در یک مجلس تحقق نمی‌یابد، موجب پیچیدگی در تعیین زمان انعقاد می‌شود. همچنین زمان شروع قرارداد ممکن است غیر از زمان انعقاد آن باشد و به بعد یا تحقق امری موکول شود. هر یک از این امور دارای حساسیتی است که بررسی خاص حقوقی را طلب می‌کند.

سمت در انعقاد عقد بیمه

هر کسی نمی‌تواند از تامين بیمه‌ای سود برده و با انعقاد قرارداد بیمه، در صورت تحقق ریسک موضوع بیمه مبالغی را از بیمه‌گر دریافت کند. تنها افرادی می‌توانند ذی نفع قرارداد بیمه قرار گیرند و از پوشش بیمه بهره ببرند که دارای نفع بیمه‌ای باشند. منظور از نفع بیمه‌ای آن است که نفع شخص در آن باشد که حادثه موضوع بیمه تحقق نیابد و در صورت تحقق حادثه ضرری متوجه او شود. ماده ۲ قانون بیمه در این باره چنین مقرر می‌دارد:

موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد ذی نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد، و بیمه نمی‌تواند وسبه‌ای برای گروبندي و شرط بندی قرار گیرد، به نحوی که افراد بدون داشتن ارتباط مستقیم با ریسک موضوع بیمه، و نفع معقولي که از عدم تحقق خطر و حادثه مورد نظر متوجه آن‌ها می‌شود بر روی جان یا مال دیگران تر شده بیمه‌ها برای تامين خسارات ناشی از حوادثی است که در صورت وقوع به ذی نفع بیمه‌ای ضرر وارد می‌کند و لذا بدون وجود ضرر و ارتباط با حادثه زیانبار عقد بیمه و انتفاع از آن منتفی خواهد بود (شیبانی، ۱۳۸۹).

رعایت فلسفه بیمه در ایجاد تامين برای افرادی که در معرض زیان ناشی از وقوع حادثه‌اند و خودداری استفاده افرادی که فاقد نفع بیمه‌ای‌اند ایجاب می‌نماید که نفع بیمه‌ای نه تنها در هنگام انعقاد قرارداد بلکه در هنگام وقوع حادثه نیز لازم باشد. چنانچه شخصی در هنگام عقد نفع بیمه‌ای داشته ولی متعاقباً این نفع را از دست داده، دلیلی برای استفاده از بیمه نخواهد داشت.

عقد بیمه می‌تواند به وسیله نماینده بیمه‌کدر منعقد شود نمایندگی ممکن است مطابق قواعد عمومی وکالت و یا اداره فضولی مال غیر باشد و در این موارد قواعد مقرر در قانون مدنی مجری خواهد بود. در



صورتی که قرارداد به نمایندگی منعقد شود مطابق قانون مدنی قرارداد برای اصیل محسوب شده و حقوق و تکالیف ناشی از عقد متوجه اصیل خواهد بود. ماده ۵ قانون بیمه در این باره مقرر می‌دارد:

بیمه گذار ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذی نفع را داشته با مسئولیت حفظ آن را از طرف صاحب مال داشته باشد. در مواردی که طرف قرارداد سمت نمایندگی خود را به بیمه گر اعلام کند، این امر در بیمه نامه قید شده و حقوق و تکالیف ناشی از عقد بیمه متوجه اصیل خواهد بود. ولی چنانچه طرف قرارداد سمت نمایندگی خود را از بیمه گر مخفی نماید به نظر داد به راه خود او منعقد شده و خودش متعهد به پرداخت حق بیمه خواهد بود ماده ۶ قانون بیمه در این باره مقرر داشته:

هر کسی حق بیمه می‌دهد بیمه متعلق به خود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است.

همچنین ممکن است قرارداد بیمه توسط شخصی که فاقد نفع بیمه‌ای است منعقد شود ولی در این صورت ذی نفع عقد بیمه باید شخصی باشد که دارای نفع بیمه‌ای در مورد ریسک موضوع بیمه است. در این موارد، که اصطلاحاً بیمه برای حساب دیگری نامیده می‌شود بیمه گذار متعهد پرداخت حق بیمه خواهد بود بدون آنکه در صورت وقوع ریسک موضوع بیمه، حق دریافت مبلغ و تامین تعیین شده در بیمه‌نامه را داشته باشد. در این صورت تعهدات بیمه گر به ذی نفع بیمه‌ای پرداخت خواهد شد (برادران، ۱۳۸۵).

بیمه برای حساب دیگری، قرارداد معتبر اصحیح است و منافاتی با فلسفه وجودی بیمه ندارد چون شخصی از تامین بیمه سود می‌برد که دارای نفع بیمه‌ای است و بیمه‌گذار فاقد نفع بیمه‌ای تنها تعهدات در مقابل بیمه‌گر را بر عهده می‌گیرد. بدون آنکه حقی بر مبالغ پرداختی توسط بیمه‌گر داشته باشد. مثال بارز این بیمه، اخذ بیمه اموال برای کالاهایی است که نزد انبار یا متصدی حمل و نقل سپرده شده و متصدی انبار یا حمل و نقل برای کالاهای مزبور به نفع مالکین کالا بیمه اخذ می‌نماید. این عمل می‌تواند به انگیزه اعطای خدمت تجاری مناسب‌تر و جلب مشتری یا هر انگیزه مالی یا عاطفی دیگر باشد. از نفع بیمه‌ای تفسیر وسیعی شده است به نحوی که وجود هرگونه نفعی در عدم تحقق ریسک موضوع بیمه، به عنوان نفع بیمه‌ای قبول شده و مجوز انعقاد قرارداد بیمه قرار گرفته است. در واقع در مورد اموال وجود هر حق عینی بر عین یا مفعت ما، نفع بیمه‌ای به شمار می‌رود. در مورد بیمه اشخاص، تعلق به یک خانواده و وجود علقه عاطفی با مالی و یا حتی نفع در زند نو سلامت بودن بدهکار برای پرداخت بدهی‌ها، نفع بیمه‌ای قابل پوشش شمرده می‌شود (عبدی، ۱۳۸۰).



به عنوان نمونه علاوه بر مالک و ذی نفع مال، در ماده ۷ قانون طلبکار دارای حق وثیقه و یا رهن مجاز شناخته شده که برای مال بیمه اخذ نماید طلبکار می‌تواند مالی را که نزد او وثیقه یا رهن است بیمه بدهد.

زمان و نحوه انعقاد عقد بیمه

عقد بیمه عقدی رضایی است و لذا به محض توافق طرفین عقد در مورد موضوع بیمه و بهای عقد تحقق می‌یابد. ولی در بسیاری موارد این توافق در یک مجلس صورت نمی‌گیرد و مراحل برای تحقق آن طی می‌شود. در ابتدا شخصی که به دنبال تحصیل پوشش بیمه است می‌بایست اطلاعات لازم در مورد ریسک و موضوع بیمه را به اطلاع بیمه‌گر برساند. این امر موضوع پیشنهاد بیمه است که بیمه‌گر باید مطالعه نموده و بر اساس آمار در مقوله مناسب قرار دهد و نرخ بیمه آن را تعیین نماید (بابایی، ۱۳۸۴).

پیشنهاد بیمه

سندی است که بیمه‌گذار آینده در آن تقاضای پوشش ریسک اعلامی را می‌نماید در عمل پیشنهاد به وسیله پر کردن فرم پرسشنامه‌ای است که توسط بیمه‌گر از پیش تهیه شده و به واسطه نمایندگان، دلالان یا خود شرکت بیمه در اختیار مشتری قرار می‌گیرد. این پرسشنامه به بیمه‌گر امکان می‌دهد که کلیه اطلاعات مورد نیاز خود را که باید به وسیله مشتری داده شود جمع‌آوری کند و مبنای قرارداد بیمه قرار دهد بدین نحو بیمه‌گر باید در تهیه این پرسشنامه دقت کامل نماید و همه اطلاعات لازم را از بیمه‌گذار اخذ کند. این پیشنهاد در حکم ایجاب از طرف مشتری است و لذا موجب تعهدی برای بیمه‌گر یا مشتری نمی‌شود مطابق قواعد عمومی مادام که این ایجاب مورد قبول بیمه‌گر قرار نگیرد، مشتری می‌تواند: پیشنهاد خود را پس گیرد. چنانچه قرار داد بر اساس اطلاعات داده شده منعقد شود اطلاعات اهمیت عمده‌ای در قرارداد بازی کرده و به عنوان بازی اعلام ریسک موضوع پوشش بیمه، مبنایی برای احراز حسن نیت با سوء نیت بیمه‌گذار قرار خواهد گرفت.

پیشینه بیمه در اسلام

اگر تامین تعاون و هم‌یاری، کمک به ستم دیده و مصیبت زده، ایجاد روحیه مشارکت و احساس جمعی، توزیع و تقسیم خسارت و زیان بر دوش افراد اجتماع، تقویت روحیه موسسات و غم‌خوارگی و جبران ضررهای قابل محاسبه را از اهداف بیمه بدانیم، بدین معنا که بیمه زیان‌های مالی و اراده بر افراد را که در معرض مخاطرات قرار می‌گیرند، سبک‌تر می‌سازد. خسارت‌های وارده بر یک فرد از طریق توزیع خسارت



بر سایر بیمه‌گذاران کاهش می‌دهد، زمینه امنیت روانی و فکری را برای فعالیتهای اقتصادی فراهم می‌سازد و به کسانی که در اثر سوانح و حوادث، دچار نابه سامانی و فقر در زندگی شده‌اند، از طریق سرمایه‌های بیمه‌ای که بیمه‌گذاران در آن سهیم هستند، کمک می‌شود، می‌توان گفت که مبانی اندیشه‌ای بیمه، در فرهنگ دینی از جایگاه ارزشمند و مطلوبی برخوردار است (گروه مولفان، ۱۳۸۸).

ناگفته نماند که بحث از مبانی بیمه، در اینجا نظام بیمه‌ای به طور عام است نه نظام بیمه‌ای که وابسته به کمپانی‌های سرمایه داری و ابزاری در دست آن‌ها است. اصولاً بحث از مبانی بیمه در اسلام، مربوط به ماهیت نظام بیمه‌گری است. از سوی دیگر قرآن نیز به مسلمانان دستور می‌دهد که در کارهای نیک، یکدیگر را یاری دهند و با هم تشریک مساعی کنند و در کارهای عام المنفعه، مانند وقف، انفاق و صدقه، که خیر و برکتش به همه مردم می‌رسد یکدیگر را معاضدت و پشتیبانی نمایند.

تامین و رفاه نسبی، حقی از حقوق انسان‌ها است که برخوردار از آن را خداوند برای همه افراد قراردادده است. از این رو، رفع نیاز افتادگان و نیازمندان، در مقررات مالی اسلام، مورد توجه قرار گرفته و از وظایف حکومت شمرده شده است. تشویق‌ها و ترغیب‌ها و توصیه‌های دینی به مسلمانان درباره نفاق و ایثار و سرپرستی یتیمان و اطعام بینوایان و دستورات اکید احکام و جویی اسلام در پرداخت خمس و زکات و تعیین بخش مهمی از اموال، تحت عنوان اموال عمومی و تعیین مصرف آن که عمدتاً نیازمندان و در راه رفاه عمومی جامعه می‌باشد، به جهت اهمیتی است که اسلام برای تامین و رفاه نسبی جامعه قائل است.

بر حاکم اسلامی واجب است که حقوق و اموال مربوط به بیت‌المال را مانند زکات گرفته و به همان ترتیبی که خداوند برای مصارف آن که فقیران و بدهکاران و در راه ماندگان و در راه آزاد کردن بردگان و کلیه مصارف عمومی و خیر است خرج کند. از اصول اجتماعی در تعالیم ادیان توحیدی، احیا و تقویت حس خیرخواهی در انسان‌ها و ایجاد روحیه همکاری و تقارب بین انسان‌ها بر پایه اصول انسانی و معنوی است.

نمونه‌های تاریخی در اسلام

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که تعاون و کمک به نیازمندان و ستمدیدگان و تلاش برای رفع مشکلات آن‌ها سابقه تاریخی طولانی در فرهنگ اسلامی دارد که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

حلف الفضول

حلف الفضول پیمانی بود که پیامبر اسلام پیش از رسالت در آن شرکت فرمود و پس از رسالت از آن با شکوه و عظمت یاد می‌کرد. این پیمان نمونه روشنی از تعاون و همکاری جوان مردان قریش در دفاع از



ستمیدگان غریب و ناآشنا بود که زیر چتر حمایت انسان‌های با فضیلت قرار می‌گرفتند پیامبر اسلام، درباره حلف الفضول فرمود:

در سرای عبدالله بن جدعان در پیمانی حضور یافتم که اگر در اسلام هم به مانند آن دعوت شوم اجابت می‌کنم و اسلام جز استحکام چیزی بر آن نیفزوده است.

ارزش چنین پیمان‌هایی در حمایت از ستمدیدگان و جبران خسارت‌ها، به روشنی از سخن رسول خدا مشهود است.

سخنی را که پیامبر اسلام درباره این گونه پیمان‌های باشکوه ابراز نموده‌اند. نشانگر این حقیقت است که اسلام از هر نوع پیمانی که در جهت حمایت از مظلوم باشد و مفهوم حمایتی و امنیت شغلی و تامین آرامش خاطر را داشته باشد استقبال و از آن حمایت می‌کند (آیتی، ۱۳۸۴).

معاهده مدینه

نخستین اقدامی که پیامبر اکرم به عنوان حاکم اسلامی در ایجاد نظام سیاسی اسلام، در آغاز ورود به مدینه انجام داد، بستن دو معاهده و قرارداد بود که یکی بین طوایف مسلمان انصار و دیگری بین مسلمانان و یهودیان بود. در عهدنامه‌ای که بین مسلمانان منعقد نمودند و به عنوان اولین قانون اساسی مکتوب از آن نام برده می‌شود اموری در آن معاهده در جهت تحکیم جامعه نوپای اسلامی مورد توجه و تاکید قرار گرفت (احمدی، ۱۳۸۶). در یکی از فرازهای آن عهدنامه، که متضمن تکامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی بود آمده است مومنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پا در آمده است نباید به حال خود واگذارند و بر اساس عدالت و نیکوکاری در فدیة آزادی اسیران و پرداخت دیه و خون بها به او کمک نمایند. به نظر می‌رسد با توجه به نمونه‌های تاریخی ذکر شده می‌توان به وجوه تشابهی بین بیمه و عملکرد فوق ملاحظه نمود. به عبارت دیگر نیت و قصد هر دو عمل (بیمه و کمک به نیازمندان در صدر اسلام) در راستای کمک رسانی در وضعیت‌های بحرانی به افراد است اما به جهت اینکه نوع ساختار فرهنگی در زمان صدر اسلام به گونه‌ای بوده که جهت انجام چنین عملی، قراردادی که به جهت آن هزینه‌ای دریافت گردد وجود نداشت، این موضوع می‌تواند نقطه افتراق عقد بیمه با پیمانهای فوق می‌باشد.

ویژگی های عقد بیمه

عقد بیمه، علاوه بر این که تابع قواعد کلی قراردادهاست، به دلیل طبیعت خاص بیمه، اصول ویژه‌ای در مورد بیمه لازم الرعایه می‌باشند که به اصول بیمه‌ای معروفند. این اصول عبارتند از:



رضایی بودن عقد بیمه

وصف رضایی بودن عقد دو و صف تشریفاتی و عینی مطرح می‌شود. عقد تشریفاتی عقدی است که تراضی آن باید همراه با تشریفات یا با واژه‌های خاص باشد و گرنه نفوذ حقوقی ندارد و التزامی به بار نمی‌آورد. نمونه بارز این تشریفات نیاز به کتبی بودن و یا به ثبت رسیدن عقد است (مانند مقرر ماده ۲۲ قانون ثبت املاک و اسناد مصوب ۱۳۱۰ که مقرر می‌دارد: دولت فقط کسی را که مالک خواهد شناخت) عقد عینی عقدی است که وقوع آن منوط به تسلیم موضوع تعهد یا تملیک است، مانند وقف (ماده ۵۹ قانون مدنی) و بیع صرف (ماده ۳۶۴ قانون مدنی) و رهن (ماده ۷۷۲ قانون مدنی) و هبه (ماده ۷۹۸ قانون مدنی) مطابق این ماده هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متبذبه (... در مقابل عقد رضایی عقدی است که به صرف ایجاب و قبول و توافق طرفین و بدون نیاز به تشریفات دیگر روابط قراردادی ایجاد می‌شود.

در مورد عقد بیمه تردیدها و اختلاف نظر جدی در مورد ماهیت رضایی، تشریفاتی و یا عینی بودن عقد مطرح است در خصوص رضایی در مقابل تشریفاتی بودن عقد بحث از نقش لزوم کتبی بودن عقد و تاثیر آن بر صحت قرارداد مطرح است. در مورد عینی بودن نیز بحث عمده راجع به نقش پرداخت عینی حق بیمه و موکول بودن اعتبار عقد بر این پرداخت در محافل بیمه‌ای به طور جد مطرح است (بابایی، ۱۳۸۴).

بیمه و اصل حسن

قاعده کلی در هر عقدی این است که طرف قرارداد، هنگام انعقاد عقد، توجه و آگاهی از مفاد قرارداد داشته باشد و برای طرف دیگر جایز نیست که او را اغفال کند و چیزی بر خلاف واقع جلوه دهد. در هر معامله‌ای طرفین علاقه دارند که روابط بین آنان معقول و دوستانه باشد و هریک، در انجام تعهدات خود با حسن نیت اقدام کند. این حسن نیت در اساس معامله دخالتی ندارد و با هر کسی گرچه فاقد حسن نیت باشد، می‌توان معامله کرد اما در بیمه، شخصیت طرفین قرارداد بسیار مورد توجه است تا جایی که تغییر در شخصیت طرفین و بروز سوء نیت از ناحیه آنان اساس معامله را متزلزل می‌سازد.

از این رو، رکن اصلی قرارداد بیمه، حسن نیت است و عدم رعایت آن و ورود از راه غیر مشروع، برای شرکت‌های بیمه مشکلاتی به بار می‌آورد. و بیمه‌گذار در پاسخ پرسش‌های بیمه‌گر باید او را کتباً از همه کیفیاتی که در مورد خطر اطلاع دارد آگاه سازد. چنانچه بیمه‌گذار هنگام انعقاد قرارداد از اظهار مطلب مهمی که از آن اطلاع داشته یا بایستی اطلاع داشته باشد و بیمه‌گر از آن آگاه نبوده، خودداری کند یا آن را برخلاف



واقع اظهار کند، بیان خلاف واقع و غش در گفتار محسوب می‌شود و قرارداد بیمه را باطل و بی‌اثر خواهد نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

بیمه گذار قبل از انعقاد عقد بیمه و قطعی شدن آن باید تمام شرایط و خصوصیات موضوع بیمه را که می‌داند به اطلاع بیمه گر برساند و تغییرات و دگرگونی‌هایی که بر موضوع بیمه نیز رخ می‌دهد به بیمه‌گر اعلام نماید قبل از انعقاد قرارداد باید همه حقایق و واقعیات مربوط به مورد بیمه مکشوف و روشن باشد. ماده ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه، به دلیل اهمیت آن‌ها در درک هر چه بیشتر اصل حسن نیت در اینجا ذکر می‌شوند.

ماده ۱۲: هرگاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه اگر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکور تاثیری در وقوع حادثه نداشته باشد.

ماده ۱۳ نیز چنین اشعاره می‌دارد: اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد، عقد بیمه باطل نمی‌شود. در این صورت هرگاه مطالب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه گذار در صورت رضایت او دریافت داشته، قرارداد را ابقا کند یا قرارداد بیمه را فسخ کند.

مفاده ماده ۱۲ قانون بیمه، که در آن صراحتاً عقد بیمه را در صورت اظهار خلاف واقع از روی عمد (عدم اجرای اصل حسن نیت) باطل دانسته، در تایید این نظر است که اعتبار اصل حسن نیت در انعقاد قرارداد بیمه است نه در اجرای آن (خوشبخت، ۱۳۹۰). اجرای اصل حسن نیت به طور دو جانبه برای بیمه‌گذار و بیمه‌گر در نظر گرفته شده است. بیمه‌گر و نمایندگان او موظفند همه اطلاعات مربوط به مورد بیمه را در اختیار بیمه‌گذار بگذارند و بیمه‌گذار نیز وظیفه دارد همه مطالب مرتبط با مورد بیمه را به اطلاع بیمه‌گر برساند.

الف - اصل حسن نیت در رابطه با بیمه‌گذار: بیمه‌گذار موظف است که در هنگام عقد قرارداد بیمه و در جریان آن، همه اطلاعاتی که در خصوص مورد بیمه دارد، که موثر در تشدید خطر است، با کمال درستی و صداقت اظهار کند، به طوری که بیمه‌گر با بهره‌گیری از این اطلاعات بتواند اهمیت خطری را که پوشش می‌دهد، تشخیص دهد، مثلاً در بیمه آتش سوزی بیمه گذار باید مشخصات و نوع مواد اجناسی که بیمه می‌شوند و نوع ساختمان و وسایل اطفای حریق و غیره را در اختیار بیمه‌گر بگذارد.

ب - اصل حسن نیت در رابطه با بیمه‌گر: بیمه‌گر موظف است در سند بیمه (بیمه نامه) هر آن چه که نشان دهنده تعهدات او است، چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی، به وضوح ذکر کند و مواردی را که به



نحوی از انجا در صورت بروز حادثه می‌تواند در پرداخت خسارت موثر باشد، در بیمه نامه قید کند، به طوری که تعهدات و حدود مسئولیت بیمه‌گر از هر جهت برای بیمه‌گذار معین و مشخص باشد. شخصیت دو طرف و رفتار آن‌ها با یکدیگر باید به گونه‌ای باشد که اعتماد متقابل را امکان‌پذیر سازد و فضای روابط بین طرفین به گونه‌ای باشد که حصول تامين از آن میسر گردد (جباری، ۱۳۸۱).

بیمه عقدی رضایی، نه تشریفاتی

قرارداد بیمه اصولاً با بیمه نامه کتبی منعقد می‌گردد ماده ۲ قانون بیمه مقرر داشته:

عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه‌نامه خواهد بود.

آیا برای اعتبار عقد، کتبی بودن قرارداد امری ضروری محسوب می‌شود به تعبیر دیگر آیا بیمه قراردادی تشریفاتی است که اعتبار آن موکول به تهیه سند کتبی است یا صرف توافق طرفین و ایجاب و قبول برای انعقاد عقد بیمه کفایت می‌کند و سند کتبی مذکور در قانون تنها برای اثبات رابطه قراردادی و شرایط عقد است؟

از ظاهر ماده ۲ قانون چنین بر می‌آید که شرط اعتبار عقد بیمه، انعقاد آن به موجب سند کتبی است ولی دلایل متعددی خلاف ظاهر فوق را به اثبات می‌رساند و بیمه را در عداد عقود رضایی قرار می‌دهد. و مطالعه حقوقی تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهایی که مهد بیمه محسوب می‌شوند و منشأ الهام قانون بیمه ایران بوده‌اند عقد بیمه عقدی رضایی است و به صرف ایجاب و قبول و توافق طرفین بر سر اصل و شرایط حتی به صورت شفاهی، قرارداد منعقد شده و برای طرفین تعهد آور است. در این کشورها سند کتبی تنها وسیله اثبات وجود روابط بیمه‌ای و شرایط توافق شده است و چنانچه این امور به نحو دیگری نیز به اثبات رسد قرارداد معتبر تلقی می‌گردد (بابایی، ۱۳۸۴).

در حقوق فرانسه علی‌رغم وجود ماده قانونی مشابه ماده ۲ قانون بیمه ایران، دادگاه‌ها و دکترین بر اعتبار توافق شفاهی و عدم لزوم کتبی بودن قرارداد برای اعتبار عقد بیمه اتفاق نظر دارند در واقع ماده ۸ قانون بیمه سال ۱۹۳۰ فرانسه، که موارد مختلف قانون بیمه ایران از آن اقتباس شده است مقرر می‌داشت:

قرارداد بیمه به صورت کتبی و با حروف واضح منعقد می‌شود این قرارداد می‌تواند به ثبت رسیده یا به صورت سند عادی باشد.



بیمه عقدی بر پایه نفع عقلایی

قرارداد بیمه زمانی معتبر است که نفع بیمه‌ای عقلایی در آن وجود داشته باشد. عقد بیمه باید برای بیمه گذار فایده و نفع بیمه‌ای داشته باشد والا رکن اساسی بیمه از بین رفته و بیمه باطل می‌گردد. بدون اثبات نفع بیمه‌ای عقلایی، هیچ بیمه گذاری نمی‌تواند بیمه‌گر را به ادای تعهداتش ملزم سازد و از قدرت و نفوذ قانون در مورد ادعایش برخوردار گردد.

بنابراین اصل، بیمه‌گر باید مطمئن شود که بیمه‌گذار در معامله بین نفعی دارد و اگر نفعی نداشته باشد نمی‌تواند او را بیمه کند. از این رو کسی که در موضوع بیمه حقی ندارد و از خرابی آن مال متضرر نمی‌شود معامله بیمه او نادرست است. کسانی که به نحوی در بقای مال ذی‌نفع بوده و از خراب شدن آن مال متضرر می‌شوند مانند مالک، مستاجر و مرتهن، می‌توانند برای رفع خطر که به علت بروز حوادثی مانند حریق و سیل و زلزله که آن‌ها را تهدید می‌کند و موجب خسارت یا مسئولیت برای آنان می‌شود با انعقاد قرارداد بیمه، تامین مورد نظر خود را به دست آورند (کریمی، ۱۳۷۷).

مقصود از مصلحت یا نفع بیمه‌ای این است که واقع نشدن خطر به مصلحت بیمه شده باشد یعنی او از وقوع خطر متضرر شود و سعی کند که خطر واقع نشود و اگر واقع شد تنها خسارت بگیرد.

قانونگذار یکی از اصول و شروط عمده در قراردادهای بیمه را شرط نفع بیمه‌ای ذکر کرده است تا بیمه گذار به دلیل نفع مادی، که در زندگی بیمه شده یا سلامتی کالای مورد بیمه دارد اقدام به ایجاد خطر نکند اهمیت این شرط از آن جهت است که بیمه‌گذار به حفظ مورد بیمه از خطر و حادثه اهمیت دارد و بی‌جهت مورد بیمه شده را در معرض خطر و ریسک قرار ندهد (عبدی، ۱۳۸۰).

در بیمه اشخاص اگر شخص خود را بیمه عمر کند به استقبال خطر نمی‌رود تا دچار خسارت شود تا از این راه حق بیمه را دریافت کند. در مورد بیمه عمر در زندگی سایر اشخاص ممکن است بیمه شده مصلحت خود را در زندگی دیگری نبیند. از این رو، ممکن است اقدام به کاری کند که سبب وفات دیگری شود تا حق بیمه را دریافت کند به عبارتی، مصلحت خود را در این می‌بیند که بیمه شده فوت کند برای جلوگیری از اقدام عمدی، از ضرر رساندن به دیگری در قانون پیش بینی شده است که چنان چه شخصی عمداً ایجاد ضرر و زیان کند و سبب فوت دیگری شود شرکت بیمه در چنین موردی تعهد پرداخت خسارت ندارد. این شرط موجب می‌شود که در بعضی از افراد، محرک جهت خودکشی یا اقدام به قتل در بیمه‌های اشخاص و ایجاد خسارت و آتش سوزی در بیمه اشیاء منتفی گردد (محمود صالحی، ۱۳۸۷).



بیمه عقدی است رضایی و نه عینی

در ادبیات بیمه‌ای اندکی که در کشور ما وجود دارد معمول نویسندگان با تکیه بر ماده یک قانون بیمه چنین اظهار نظر کرده‌اند که در عقد بیمه تعهد بیمه‌گر در مقابل پرداخت عینی و عملی حق بیمه توسط بیمه‌گذار است و مادامی که این پرداخت عملاً صورت نگرفته عقد بیمه کامل نیست و برای بیمه‌گر تعهدی ایجاد نمی‌شود در واقع مطابق ماده یک قانون بیمه که مقرر می‌دارد:

ماده ۱: بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی و از طرف دیگر در صورت وقوع با بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد (بابایی، ۱۳۸۷).

متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند.

تعهد بیمه‌گر به پوشش خسارت موضوع بیمه در مقابل پرداخت حق بیمه از جانب بیمه‌گذار قرارداده شده و لذا مادامی که این پرداخت صورت نگرفته است عقد بیمه مستقر و کامل نشده و تعهد بیمه‌گر ایجاد نمی‌شود و تفسیر مذکور از ماده یک قانون بیمه بر ظاهر عبارت ماده تکیه دارد و قائلین به آن بیش از تکیه بر این ظاهر، در مورد مبانی حقوقی نظر خود توضیحی نداده‌اند ولی از آنجا که ماهیت عقد بیمه و تعهدات طرفین منشا آثار بسیاری است و صرفاً با تکیه بر یک کلمه در قانون منطقی نمی‌توان احکام خاص بیمه را استنتاج کرد باید مبانی این نظر با توجه به قواعد عمومی قراردادها در حقوق ایران تبیین شود تا با تکیه به این مبانی و اصول کلی حقوقی بتوان احکام متفاوت حقوقی عقد بیمه را استخراج کرد. بر همین اساس با توجه به آنکه عقد بیمه یکی از عقود معین در حقوق ایران است و در قدم اول بر قواعد کلی قراردادهای مدنی تکیه دارد و سپس با توجه به ویژگی‌های خاص خود منشاء احکام ویژه است باید ماهیت حقوقی آن را بر اساس قواعد کلی حقوق قراردادها تبیین نمود.

اصل در حقوق ایران رضایی بودن عقد است، عقد عینی جنبه استثنایی دارد و برای آنکه عقدی عینی تلقی شود لازم است که قانون به عینی بودن یا لزوم تسلیم یا پرداخت به عنوان یکی از عناصر تحقق عقد تصریح کرده باشد. اعتقاد کسانی که بر اساس ماده یک قانون بیمه، تحقق عقد بیمه و ایجاد تعهد بیمه‌ای را منوط به پرداخت عملی حق بیمه توسط بیمه‌گذار می‌دانند، با عینی تلقی نمودن عقد بیمه انطباق دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).



پذیرش عینی بودن عقد بیمه منشاء آثار قابل توجهی خواهد بود که در قانون بیمه به این آثار تصریحی نشده است ولی با توجه به مبانی و اصول حقوق قراردادهای، این آثار بر عقد بیمه بار خواهد شد. از جمله این آثار آنکه، مادامی که حق بیمه توسط بیمه‌گذار پرداخت نشده، اساساً عقد بیمه تحقق نیافته است. و لذا هیچ‌گونه تعهدی برای بیمه‌گر به پوشش و جبران خسارت ناشی از حادثه موضوع بیمه و برای بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه ایجاد نمی‌شود. علاوه بر این در امکان شرط مخالف این حکم و توافق بر تحقق تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار قبل از پرداخت عینی حق بیمه، تردید جدی وجود خواهد داشت. در واقع چنانچه پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار یکی از ارکان تشکیل و به وجود آمدن عقد بیمه لحاظ شود این امر از مقتضیات عقد بیمه خواهد بود.

از دیگر دلایل عدم پذیرش ماهیت عینی عقد بیمه در حقوق ایران پیش بینی حق فسخ بیمه‌گر در قراردادهای بیمه به علت عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار است. در واقع در برخی قراردادهای بیمه چنین پیش بینی شده که چنانچه بیمه‌گذار مطابق قرارداد به تعهد پرداخت حق بیمه عمل ننماید بیمه‌گر می‌تواند عقد را به علت عدم پرداخت حق بیمه فسخ کند. مشخصاً امکان حق فسخ در عقد فرع بر انعقاد و صحت عقد است. در حالی که عینی تلقی کردن عقد بیمه مستلزم آن است که اساساً عقد بدون پرداخت حق بیمه کامل و منعقد نشده و لذا حق فسخ بی مورد باشد. نمونه بارز پیش بینی حق فسخ بیمه‌گر به علت عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار در شرایط عمومی، می‌توان به ماده ۱۷ قانون بیمه حوادث اشخاص اشاره نمود (بابایی، ۱۳۸۴).

اصل جبران خسارت یا اصل غرامت

در سایر معاملات، حدود تعهدات طرفین با توافق آن‌ها معین می‌گردد. آن‌ها می‌توانند به هر صورت و به هر مقداری که بخواهند به یکدیگر ارفاق کنند مثلاً می‌توانند با توافق خانه‌ای را که به کم‌تر از قیمت واقعی آن معامله کنند و یا مشتری به دلیل نیاز، حاضر باشد کالایی را با قیمتی بیش از قیمت عرف بازار، بخرد و کسی معترض آنان نخواهد شد. در صورتی که معامله آن‌ها سفته نباشد، از نظر قانونی نیز بی اشکال است اما در بیمه چون هدف، تامین دادن به بیمه‌گذار است و حاصل قرارداد بیمه نباید به جز این باشد و بیمه برای بیمه‌گذار نمی‌تواند جنبه استرباحی داشته باشد، از این رو، اصل غرامت به عنوان یکی از اصول مهم بیمه شمرده شده است.

شرکت بیمه، حداکثر، وضعیت مالی بیمه‌گذار را پس از وقوع حادثه، در سطحی قرار می‌دهد که پیش از وقوع حادثه بوده است. بیمه‌گر نباید وجهی بیش از خسارت وارده بر بیمه شده پرداخت کند و از مرز ایجاد



تامین پا فراتر بگذارد. اهمیت اصل غرامت بدان دلیل است که کسی برای جلب منفعت، حریقی در مورد بیمه شده ایجاد نکند. و یا اتومبیل بیمه شده خود را به درخت و سنگ و صخره نزند تا از این راه بخواهد به سرمایه بیمه ای برسد. با توجه به اعتبار این اصل در بیمه، هیچ عقل سلیمی اجازه نمی‌دهد که شخص برای خود ایجاد خطر کند زیرا بیمه گذار در بهترین شرایط در وضعیتی قرار می‌گیرد که حادثه و خطر ایجاد نشده بود (خوشبخت، ۱۳۹۰).

این اصل در قوانین بیمه اهمیت خاصی دارد. از این رو، بر اساس ماده ۱۹ قانون بیمه ایران مسئولیت بیمه‌گر عبارت است از پرداخت تفاوت قیمت مال بلافاصله قبل از حادثه، با قیمت باقی مانده و بلافاصله پس از حادثه، این اصل، نه تنها عامل تضمین صحت عقد بیمه است بلکه راهنمای مسئولان خسارت نیز هست اصل غرامت حد فاصل قمار و شرط‌بندی با بیمه است و این دو را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در صورت نادیده گرفتن اصل غرامت، مفهوم قمار و شرط بندی در بیمه راه می‌یابد کار بیمه در حقیقت حفظ دارایی بیمه گذار، در برابر خطراتی است که بیمه، خسارت‌های آن را کاهش می‌دهد نه بیش از آن (روژه، ۱۳۷۳).

بیمه عقدی لازم

بنابر تعریف قانون مدنی، عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشند مگر در موارد معینه (ماده ۱۸۵) و عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتوانند هر وقتی که بخواهند آن را فسخ کنند (ماده ۱۸۶). بیمه عقدی لازم است به این معنی که هیچ یک از طرفین عقد حق فسخ آن را ندارند مگر در موارد معین. عقد بیمه طرفین را ملزم به اجرای مفاد عقد می‌نماید و طرفین نمی‌توانند به دلخواه خود قرارداد را منحل کنند مگر در مواردی که قانون برای طرفین حق فسخ شناخته یا در قرارداد حق فسخ پیش-بینی شده است. همچنین عقد بیمه به فوت یا حجر بیمه گذار منحل نمی‌شود و حقوق و تکالیف ناشی از عقد در مورد مرگ به ورثه منتقل می‌شود و در مورد حجر توسط نماینده قانونی محجور صورت می‌گیرد (ایزدپناه، ۱۳۸۶).

ولی قرارداد بیمه عمر استثنایی بر دیگر عقود به نظر می‌رسد از آنجا که بیمه عمر جنبه سرمایه گذاری دارد و افراد مکلف نیستند که به پس‌انداز و سرمایه گذاری خود ادامه دهند چنانچه بیمه گذار از پرداخت حق بیمه عمر، که تعهد قراردادی اوست امتناع نماید بیمه گر نمی‌تواند بیمه گذار را به پرداخت حق بیمه ملزم کند. در واقع مطابق طبیعت بیمه عمر بیمه گذار همواره حق دارد بیمه عمر را متوقف کند و از پرداخت حق بیمه امتناع کند. ولی از سوی دیگر بیمه گر همواره مکلف است به انجام تعهدات قراردادی است و حق توقف



عقد و امتناع از انجام تعهدات قراردادی را ندارد. لذا در این باره به نظر می‌رسد بیمه عمر نسبت به بیمه‌گر لازم و نسبت به بیمه‌گذار جایز محسوب می‌شود. در قانون مدنی نیز تصریح شده که عقد می‌تواند نسبت به یک طرف جایز و نسبت به طرف دیگر لازم باشد. و نمونه‌ای بارز آن در بین عقود معین مذکور در قانون مدنی عقد رهن و عقد کفالت است (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

معاوضی بودن عقد بیمه

عقد معاوضی همانطور که از نام آن پیداست، عقدی است که دارای دو مورد است که هریک از آن دو در عوض مورد دیگر قرار دارد. این دو مورد ممکن است هر دو مال یا هر دو تعهد و یا یکی مال و دیگری تعهد باشد. برعکس، عقد غیر معاوضی یا مجانی عقدی است که یک مورد دارد و عوض ندارد (شهیدی، ۱۳۷۷). معاوضی هریک از دو موضوع مورد معامله را عوض نامند. به عبارت دیگر عوض به مالی گفته می‌شود که از طرف قبول کننده داده می‌شود خواه آن مال عین باشد خواه غیر عین باشد و آنچه که از طرف ایجاب کننده داده می‌شود معاوض نام دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱).

تعریف عقد بیمه با وجود اختلافات ناچیزی که درباره آن وجود دارد معاوضی بودن بیمه را افاده می‌کند یعنی در آن در ازاء پرداخت وجه (حق بیمه) و اعلام به موقع حادثه، تعهد به جبران خسارت تامین و تضمین در برابر خطرات را به همراه خواهد داشت با این وصف عقد بیمه از عقود رایگان ممتاز می‌سازد در هر حال وجود عوض مقتضای ذات عقد بیمه است.

اما ممکن است ایراد شود که در بیمه عمر به نفع ثالث بیمه‌گر متعهد می‌شود که سرمایه بیمه را در صورت فوت بیمه شده به ذی نفع بپردازد. بنابراین حق بیمه را بیمه‌گذار می‌دهد. اما سرمایه بیمه وارد مالکیت ذی نفع می‌شود. پس یک عقد معاوضی نیست بلکه عقد یک طرفی است که صرفاً بیمه‌گذار حق بیمه را به بیمه‌گر می‌پردازد. در پاسخ باید ضمن جواب منفی باید گفت عقد بیمه در تمام اقسام آن یک عقد معاوضی است که عوضین آن عبارتند از حق بیمه و تامین امنیت و آرامش خاطر. بنابراین در بیمه عمر به نفع شخص ثالث نیز اینکه بیمه‌گر متعهد به پرداخت سرمایه بیمه به ذی نفع می‌شود در حقیقت برای بیمه‌گذار این آرامش و امنیت خاطر را به ارمغان می‌آورد که بعد از فوت بیمه شده استفاده کننده دچار عسر و تنگدستی نخواهد شد بنابراین این بیمه عمر نیز عقدی معاوضی است (ال شیخ، ۱۳۸۱).

معاوضی بودن عقد بیمه آثار مهمی به همراه دارد از جمله بیمه‌گر می‌تواند اجرای تعهد خود را به اجرای تعهد بیمه‌گذار در پرداخت حق بیمه موکول سازد. همچنین اعلام خلاف واقع خطر توسط بیمه‌گذار باعث بطلان عقد بیمه یا کاهش حق بیمه‌گذار به جبران می‌شود.



اصل جانشینی

از دیگر اصول حاکم بر قراردادهای بیمه، اصل جانشینی می‌باشد. به موجب این اصل بعد از جبران هر خسارت، تمام حقوق قانونی که ممکن است به علت آن حادثه متوجه بیمه‌گذار شده باشد به بیمه‌گر منتقل می‌گردد. قانون بیمه ایران از این اصل به صراحت تعریف نکرده است در اصل این قاعده نتیجه منطقی اصل غرامت می‌باشد که بیمه‌ناباید و سیله کسب منفعت برای بیمه‌گذار شود زیرا اگر اصل جانشینی نبود بیمه‌گذاران علاوه بر دریافت خسارت از بیمه‌گر می‌توانستند به مسئول وقوع حادثه مراجعه نمایند و از او تقاضای پرداخت غرامت بنمایند.

اصل جانشینی در مورد بیمه‌های اشخاص اعمال نمی‌شود و صرفاً کاربرد آن در مورد بیمه‌های اموال و مسئولیت می‌باشد علت این موضوع عبارت از این است که در بیمه‌های اشخاص مانند بیمه عمر، بیمه‌گذار با انعقاد قرارداد بیمه با بیمه‌گر و پرداخت حق بیمه مربوطه اقدام به نوعی سرمایه‌گذاری می‌نماید و در این صورت اگر خسارتی جسم و جان او را تهدید کند او می‌تواند به عامل ورود خسارت بر اساس قانون مسئولیت مدنی مراجعه نماید و به شرکت بیمه بر اساس قرارداد بیمه به همین خاطر اصل جانشینی در مورد بیمه‌های اشخاص جاری نمی‌شود. این اصل مربوط به آن دسته از قراردادهای بیمه است که بیمه‌گر مبلغی به عنوان خسارت به زیان دیده و به نمایندگی از بیمه‌گذار پرداخت می‌نماید و به همین علت او جانشین زیان دیده بیمه‌گذار می‌شود. اما در بیمه اشخاص پولی که به عنوان جبران خسارت از طرف بیمه‌گر به بیمه‌گذار پرداخت می‌شود ارتباطی به وقوع حادثه ندارد بلکه بیمه‌گر در عمل به قراردادی که در آن متعهد شده بود در صورت وقوع حادثه برای اشخاص در مقابل حق بیمه‌ای که از قبل پرداخت کرده بودند از آن‌ها حمایت نماید و خسارات آن‌ها را جبران نماید به همین خاطر اصل جانشینی در بیمه اشخاص جاری نمی‌شود (کریمی، ۱۳۷۷).

بیمه عقدی است غیر مجانی

در عقد بیمه نیت لطف بین طرف‌های عقد وجود ندارد و هر یک از طرفین به دنبال کسب منفعت خود هستند. بیمه‌گذار همواره باید مبلغی بابت مابه‌ازای تضمینی که از بیمه‌گر دریافت می‌کند تحت عنوان حق بیمه پرداخت نماید. بیمه هیچ‌گاه عقدی مجانی و بلاعوض نیست ولی نیت لطف و رایگان بودن می‌تواند بین بیمه‌گذار و اشخاص ثالث ذی‌نفع از بیمه وجود داشته باشد. بیمه عمر که در آن ذی‌نفع بیمه اشخاص ثالث‌اند نمونه بارز رابطه عنایت و لطف بیمه‌گذار به ذی‌نفع بیمه‌ای است (بابایی، ۱۳۸۴).



اصل نسبیت

ماهیت مبلغ بیمه‌ای در بیمه از ضرر و زیان، مانند بیمه‌های بازرگانی، بیمه آتش سوزی و دزدی با مبلغ بیمه در بیمه‌های اشخاص، متفاوت است. در بیمه عمر، سرمایه بیمه، طبق مورد توافق پرداخت می‌گردد و ملاحظه زیان و ضرر، مبنای محاسبه مبلغ بیمه‌ای در بیمه عمر قرار نمی‌گیرد. هدف در بیمه‌های عمر ایجاد پشتوانه مالی و سرمایه‌ای برای روزهای ناتوانی و سخت زندگی است که درآمدها در ایام سختی و پیری کاهش می‌یابند. از این رو، بیمه عمر جنبه پس انداز دارد.

اما در بیمه از ضرر، در بیمه اموال و اشیاء مبلغ بیمه‌ای بر پایه خسارت تعیین می‌شود و صرفاً جنبه جلوگیری از زیان و خسارت دارد و جنبه انتفاعی و استریاحی برای بیمه‌گذار در بیمه عمر وجود ندارد. و تعیین مقدار مبلغ بیمه‌ای در این نوع بیمه‌ها در عین حال که به توافق طرفین بستگی دارد بیش از حد زیان و ضرر پرداخت نمی‌شود، در بیمه از ضرر، مانند بیمه اموال، دو حد و سقف برای پرداخت خسارت، لحاظ می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴).

اول آن که مازاد بر میزان زیان و ضرر پرداخت نمی‌شود بدین معنا که چون بیمه صرفاً جنبه جبران خسارت دارد به همان میزان خسارت جبران می‌شود. به عنوان مثال اگر خانه‌ای مورد بیمه آتش سوزی باشد و سقف خسارت آن صد هزار واحد پولی تعیین شده باشد چنانچه بر این خانه بیمه شده، صد و پنجاه هزار واحد پولی خسارت وارد شود شرکت بیمه بیش از صد هزار واحد پولی را پرداخت نمی‌کند زیرا سقف نهایی پرداخت مبلغ بیمه‌ای صد هزار واحد پولی بوده است. حال اگر عکس قضیه اتفاق افتد یعنی مثلاً خسارت وارده بر خانه بیمه شده، کم‌تر از صد هزار واحد پولی باشد، شرکت فقط میزان خسارت وارده جبران خسارت می‌کند و سقف مبلغ توافق شده را نمی‌پردازد. خسارت به نسبت میزان زیان و نسبت سقف مبلغ توافق شده پرداخت می‌شود و خارج از این دو حد پرداخت نمی‌شود. این اصل مبتنی بر یک اندیشه بنیادی در بیمه است که در بیمه‌های اموال که ایمنی از خسارت بیمه می‌شود جنبه ثروت اندوزی و ذخیره‌سازی سرمایه پیدا نکند و بیمه شده بیش از مبلغ خسارت چیزی دریافت ننماید. و دیگر این که افراد از روی عمد اقدام به ایجاد خسارت نکنند مثلاً خانه خود را آتش نزنند و چنین وانمود کنند که آتش سوزی اتفاقی و غیر عمدی بوده است. تا از این راه علاوه بر دریافت میزان ضرر مازاد بر خسارت را تا سقف میزان تعیین شده دریافت کنند. با توجه به اصل غرامت چون مبلغ پرداختی از سوی بیمه‌گر در هیچ صورت و وضعیتی بیش از میزان زیان نیست، کسی عمداً به ایجاد خسارت اقدام نمی‌کند زیرا فایده‌ای نمی‌برد و وضعیت او قبل از حادثه و بعد از حادثه، از نظر مالی، حداکثر یکسان خواهد بود. و اندیشه اصل غرامت، مبتنی بر مصلحت عامه است و



توافق بر مازاد میزان خسارت، در بیمه جنبه تامین دارد، برخلاف مصالح عمومی بوده و درست نیست (ایزدپناه، ۱۳۸۶).

عناصر مشترک در عقود بیمه

همانگونه که قبلاً ذکر گردید بیمه عقدی است که به موجب آن بیمه‌گر تعهد می‌کند در ازای پرداخت حق بیمه از طرف بیمه‌گذار، در صورت بروز حادثه موضوع عقد بیمه، از ذی نفع بیمه جبران خسارت نماید یا وجه معینی به او بپردازد.

از این تعریف مشخص می‌شود که عقد بیمه دارای سه عنصر اساسی است:

ریسک موضوع بیمه، حق بیمه و وقوع حادثه و تعهدات ناشی از آن. این سه عنصر در تمامی قراردادهای بیمه مطرح است.

ریسک موضوع بیمه

در حقوق بیمه ریسک مفهومی کلیدی به شمار می‌رود: در بین سه عنصر اساسی عقد بیمه (ریسک، حق بیمه و وقوع حادثه) ریسک نقشی اساسی و تعیین کننده‌تر از بقیه دارد چون محاسبه حق بیمه و پوشش بیمه-ای (موضوع تعهدات بیمه‌گذار و بیمه‌گر) بر اساس ریسک موضوع بیمه تعیین می‌شود از آنجا که ریسک در تمامی جلوه‌های بیمه حاضر و موثر است دارای مفهوم و جنبه‌های گوناگونی است ریسک مورد توجه بیمه، به مفهوم احتمال وقوع یک حادثه است.

مطابق این مفهوم ریسک واقعه‌ای است اتفاقی و احتمالی که منشا ایراد خسارت خواهد بود. آتش سوزی، بلایای طبیعی، تصادفات و حوادث موجب مسئولیت مدنی و مرگ که موجب ایجاد حق در بیمه عمر خواهد شد از مصادیق مشخص ریسک به شمار می‌روند. جنبه اتفاقی بودن بیانگر آن است که ریسک توجه به وقوع حوادث در آینده دارد (ایزدپناه، ۱۳۸۶).

مشخصات ریسک به عنوان موضوع عقد بیمه

موضوع عقد بیمه خطر یا ریسک تحقق حادثه خسارت بار است لذا از طرفی، بنا بر قواعد حقوقی بیمه می‌بایست امری اتفاقی باشد و از طرف دیگر مطابق قواعد عمومی حقوق تعهدات امری واقعی و مشروع به شمار می‌آید.



جنبه اتفاقی بودن ریسک از عدم اطمینان از وقوع حوادث استنتاج می‌شود. جنبه واقعی بودن ریسک بدین معنی است که اتفاق موضوع بیمه امکان وقوع داشته باشد. لذا چنانچه مشخص شود که مال موضوع بیمه وجود نداشته یا قبل از انعقاد قرارداد بیمه بر اثر حادثه تلف شده یا اتفاق موضوع بیمه تحقق یافته است عقد بیمه باطل خواهد بود ماده ۱۸ قانون بیمه به این نکته اشاره نموده است این ماده مقرر می‌دارد:

هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه به عمل آمده قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرار داد بیمه باطل و بی‌اثر خواهد بود. در این صورت اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مزبور را به عنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد.

ریسک موضوع عقد باید مشروع باشد و تامین ریسک توسط بیمه‌گر نیز با نظم عمومی و اخلاق حسنه تعارض نداشته باشد. بدین نحو خساراتی که ممکن است از فعالیت‌های نامشروع متوجه افراد شود قابلیت بیمه را نخواهد داشت بر همین اساس اعمالی را که مطابق قانون جرم محسوب می‌شوند نمی‌توان تحت پوشش بیمه قرار داد و بیمه‌گر را متعهد به پرداخت مجازات‌های نقدی تعیین شده یا دفاع از اعمال مجرمانه نمود. ولی در مورد جرایم غیر عمدی، تنها مسئولیت جزایی قابلیت پوشش بیمه را نخواهد داشت و خسارات ناشی از جرم غیر عمد می‌تواند تحت پوشش بیمه مسئولیت قرار گیرد. نمونه بارز این امر، تعهدات بیمه‌گر در بیمه شخص ثالث و دیات است. در واقع، در مورد خساراتی جانی غیر عمد ناشی از تصادفات رانندگی، از طرفی: مجازات کیفری تعیین شده است. که در مواردی قابل تبدیل به جزای نقدی‌اند و معمولاً دادگاه‌های ایران تمایل دارند که به جای مجازات حبس تعیین شده در قانون با لحاظ موجبات تخفیف مجازات، به پرداخت جزای نقدی حکم دهند. از طرف دیگر، ایراد خسارت جانی غیرعمدی موجب ضمان راجع به خسارات جانی نیز است. با توجه به ملاحظات نظم عمومی و مشروعیت موضوع بیمه، تامین مجازات مالی نمی‌تواند موضوع قرارداد بیمه قرار گیرد. ولی پرداخت دیه، که از این نظر در حکم جبران خسارات ناشی از جرم است مورد پوشش بیمه قرار می‌گیرد.

ریسک موضوع بیمه باید به نحو دقیقی تعیین و مشخص شود و این امر عمدتاً بوسیله اعلام و اطلاعاتی که بیمه‌گذار در اختیار قرار می‌دهد عملی می‌گردد. این اعلام نقش اساسی در قرارداد بازی می‌کند ولی هر ریسکی ممکن است مورد بیمه قرار نگیرد و دامنه ریسک موضوع بیمه محدود شود یا برخی خطرات از عماد ریسک‌های موضوع بیمه خارج نشود (بابایی، ۱۳۸۴).



ریسک موضوع بیمه

تعیین ریسک موضوع بیمه از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است. قرار دادهای بیمه ریسک موضوع بیمه، از لحاظ مختلف مدنظر قرار می‌گیرد، از لحاظی همچون حادثه پوشش داده شده، فعالیت پوشش داده شده (به خصوص در مورد بیمه‌های مسئولیت) و خسارت موضوع پوشش و همچنین در مواردی بیمه نامه واحد، ریسک‌های متفاوت و مرتبط در این پوشش می‌دهد. بدین نحو در تعیین ریسک‌های موضوع بیمه باید دقت خاصی مبذول شود و به عنوان بیمه نمی‌توان موضوع کامل آن را استخراج نمود.

اعلام ریسک‌های موضوع بیمه از عمده‌ترین تعهدات بیمه‌گذار محسوب می‌شود که در پی آن به بیمه‌گر اجازه اظهار نظر در مورد ریسک‌های موضوع تضمین را می‌دهد و امکان برآورد حق بیمه را فراهم می‌آورد. این تعهد مخصوص قرارداد بیمه است چون در دیگر عقود، مطابق قواعد عمومی قراردادها هر یک از طرفین می‌تواند تنها معترض مطالب و اطلاعاتی شود که در جهت منافع خود اوست و از گفتن مطالب دیگر خودداری کند و چنانچه در اثر عدم اطلاع کافی از مشخصات و کیفیت موضوع عقد اشتباهی برای طرف دیگر ایجاد شود این اشتباه تنها در صورتی موثر است و موجب بطلان عقد می‌شود که در کیفیت و مشخصات اصلی موضوع معامله باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

اما بیمه عقدی است مبتنی بر حسن نیت که در آن بیمه‌گر به اعلانات بیمه‌گذار اطمینان کرده و اساس تعیین نرخ بیمه و اجرای قرارداد بیمه را بر آن بنا می‌نهد. از طرف دیگر، از آنجا که بیمه عقدی مستمر است در طول عقد ممکن است ریسک تحقق حادثه تغییر کرده و بالاخص افزایش یابد. به همین دلیل قانون بیمه‌گذار را مکلف کرده که نه تنها ریسک‌های موجود در هنگام انعقاد قرارداد را صادقانه در اختیار بیمه‌گر قرار دهد بلکه تغییراتی را که در حین عقد بیمه در مورد ریسک موضوع بیمه ایجاد می‌شود به بیمه‌گر اعلام کند. و برای عدم اجرای این وظایف ضمانت اجراهای حقوقی را نیز مقرر می‌دارد (معزی، ۱۳۸۶).

اعلام ریسک توسط بیمه‌گذار در هنگام انعقاد قرارداد بیمه

بیمه‌گذار باید با دقت کامل به سؤالاتی که توسط بیمه‌گر مطرح شده پاسخ دهد تا به بیمه‌گر اجازه دهد پوشش ریسکی را که بر عهده می‌گیرد با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر آن صحیح وارد کند. اعلام ریسک اصولاً با پاسخ مشنری بیمه‌گر به پرسشنامه‌ای که از پیش توسط بیمه‌گر تهیه شده صورت می‌گیرد. بر همین اساس وظیفه طرح سؤالات دقیق و مشخصی که در برآوردن میزان ریسک و حق بیمه برای بیمه‌گر



مفید و لازم است بر عهده وی گذاشته شده است. لذا بیمه گذار هیچ گونه تعهدی به ابراز مطالب و اطلاعات اضافه بر آنچه در پرسشنامه آمده ندارد و با پاسخ به سوالات به تکلیف اعلام ریسک موضوع بیمه به نحو کامل عمل می نماید (بابایی، ۱۳۸۴).

اعلام تشدید ریسک در طول اجرای عقد بیمه

علی الاصول پس از تشکیل عقد قرارداد می بایست تا انتهای مدت عقد مطابق شرایط معین شده ادامه یابد و تغییرات اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد در طول مدت عقد تاثیری بر تعهدات و روابط طرفین نداشته باشد. ولی در مورد عقد بیمه موضوع متفاوت است و به تصریح قانون بیمه تغییرات موثر در میزان ریسک وقوع حادثه موضوع بیمه، موجب آثار و احکامی در عقد بیمه خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۳).
در این باره بیمه گذار مکلف شده تغییراتی را که موجب تشدید خطر موضوع بیمه شده به بیمه گر اعلام نماید.

ماده ۱۱ قانون بیمه در این باره مقرر می دارد:

هرگاه بیمه در نتیجه عمل خود خطری را که به مناسبات آن بیمه منعقد شده است تشدید کند یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را به طوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه گر حاضر برای انتقاد قرارداد با شرایط مذکور در قرارداد نمی گشت باید بیمه گر را بلافاصله از آن مستحضر کند. اگر تشدید خطر یا تغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه گذار نباشد مشار الیه باید مراتب را در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع خود رسماً به بیمه گر اعلام کند...

توجیه لزوم اعلام تشدید خطرات ناظر به موضوع بیمه آن است که بیمه گر تامین خسارت موضوع بیمه را تحت شرایط اعلام شده در عقد پذیرفته و برای مدت معین تحت پوشش قرار داده است. با تغییر شرایط خطرات استفاده از پوشش بیمه ایجاب می نماید که بیمه گر از شرایط جدید مطلع شده و در صورت فرم قرارداد را با آن سازگار نماید (صفایی، ۱۳۵۱).

مفهوم تشدید ریسک

قانون گذار تشدید ریسک را به مواردی اطلاق نموده که کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه طوری تغییر کند که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه گر حاضر برای انعقاد قرارداد با شرایط مذکور در قرارداد نمی گشت. منظور از شرایط مذکور عماد تا نرخ حق بیمه تعیین شده در بیمه است. تغییراتی در اینجا مدنظر است که در محاسبات بیمه گر مورد توجه قرار گرفته و عامل تعیین نرخ بیمه و شرایط عقد به شمار



می روند. لذا در مواردی که قرارداد بیمه بر اساس اعلانات بیمه گذار شکل گرفته سولاتی که بیمه گر در پرسشنامه اولیه طرح نموده و با اخذ اطلاعات مربوطه شرایط و نرخ بیمه را تعیین کرده ملاک تعیین اوضاع و احوالی است که تغییر آنها باید به اطلاع بیمه گر رسانده شود. چنانچه در مورد اطلاعات داده شده تغییری در طول ماجرای عقد ایجاد شود بیمه گذار باید تغییرات را مطابق ماده ۱۶ به بیمه گذار اعلام کند و در خارج از موارد مذکور هیچ گونه تعهدی را اعلام ندارد، هر چند که عملاً نقش قابل توجهی در تحقق حادثه داشته است (بابایی، ۱۳۸۷)

مهلت اعلام تشدید خطر

چنانچه موجبات تشدید خطر توسط خود بیمه گذار ایجاد شده وی مکلف است مراتب را بلافاصله به اطلاع بیمه گر برساند. کلمه بلافاصله که در ماده ۱۶ آمده به معنای هر چه سریع تر است و ملاک فوریت رفتار عرفی است.

حق بیمه در قوانین بیمه

حق بیمه به ازای خدمات و پوشش بیمه ای است و باید توسط بیمه گذار پرداخت شود. بررسی حق بیمه از دو نظر حائز اهمیت است: از دید تکنیکی محاسبه میزان حق بیمه با توجه به فراوانی تحقق حادثه موضوع بیمه و خسارت قابل پرداخت صورت می گیرد.

از آنجایی که بیمه عقد معوض است و حق بیمه عوض و علت تعهدات بیمه گر به شمار می رود همین امر منشاء ایجاد احکامی در عقد بیمه است از جمله چنانچه تعهدات بیمه گر به علتی منتفی شود تعهد بیمه گذار به پرداخت حق بیمه از بین خواهد رفت و چنانچه تمامی حق بیمه را پرداخته باشد به نسبت مدت باقی مانده حق بیمه باید به او عودت شود. مصداق بارز این امر در موردی است که مال موضوع بیمه تلف شود. در این حالت به علت منتفی شدن عقد بیمه (انفساخ عقد) بیمه گر مکلف به بازگرداندن مبنای است که برای پوشش بیمه برای مدت باقی مانده عقد دریافت نموده است. البته چنانچه موضوع بیمه به علت حادثه ای که تحت پوشش بیمه قرار داشته و با وقوع آن تعهد بیمه گر به جبران خسارت ایجاد شده باشد موجبی برای عودت حق بیمه وجود ندارد (بابایی، ۱۳۸۴)



شرایط و نحوه پرداخت حق بیمه

بیمه گذار مکلف به پرداخت حق بیمه مطابق عقد بیمه است. این تکلیف در همه انواع بیمه وجود دارد و در صورت عدم پرداخت بیمه گر می تواند اجرای تعهد را بخواهد. تنها استثنای این تکلیف در بیمه عمر است. از آنجا که بیمه عمر بیشتر طبیعت سرمایه گذاری دارد در صورتی که بیمه گذار از ادامه پرداخت حق بیمه استنکاف نماید بیمه گر نمی تواند او را تکلیف به پرداخت نماید. به عبارتی بیمه گذار می تواند در هر زمانی که بخواهد سرمایه گذاری خود را پایان بخشد. در این صورت تعهد بیمه گر نیز در صورت وقوع حادثه موضوع ببه به پرداخت مبلغ تعیین شده منتفی می شود ولی در مورد مبالغ که تا زمان توقف پرداخت صورت گرفته مطابق شرایط قراردادی عمل می شود و بیمه گر در شرایطی مکلف به پرداخت وجوهی بابت سرمایه گذاری صورت گرفته خواهد شد.

متعهد پرداخت حق بیمه شخص بیمه گذار است بیمه ممکن است برای حفظ منافع دیگری منعقد شود و یا ذی نفر از بیمه شخص ثالثی تعیین شود. در تمامی این مواردی که بیمه توسط نماینده یا وکیل منعقد می شود بیمه گذار شخص موکل و اصیل است و مطابق اصول تکلیفی بر عهده وکیل و نماینده است. در صورت انتقال بیمه به شخص ثالث منتقل الیه مکلف به پرداخت باقی مانده اقساط حق بیمه خواهد بود (بابایی،

(۱۳۸۴)



نتیجه

از صدر اسلام کمک به هم‌نوع امری پسندیده و مورد قبول پیامبر (ص) بوده است با گذشت زمان و گسترش جوامع، و مبادلات تجاری، افراد به جهت گذران زندگی، در برخی اعمال، با انجام مساعدت به و هم‌نوع، وجوهی نیز دریافت می‌نمودند، این امر موجب گردید که ستون‌های بیمه در جوامع پایه ریزی شده و شکل رسمی به خود بگیرد. در این میان تجار و بازرگانان نیز به جهت جلوگیری از ضرر و تحمل خسارت ناشی از حوادث غیر مترقبه، حاضر گردیدند مبلغی از سود تجارت خویش را در این مسیر هزینه نمایند، تا به امروز که بیمه به عنوان صنعتی عظیم چنان نافذ گردیده است که برخی از دادوستدها، در صورت نداشتن پشتوانه بیمه، از سوی متعاهدین انجام نمی‌گردد. از سوی دیگر فقه امامیه نیز با توجه به پویایی، توانست خود را با توجه به احادیث و روایات در این حوزه، عقد بیمه را مورد قبول قرار داده، و فقها نیز همگام با حقوقدانان، با نگاه مثبتی به آن نگرستند، هر چند که برخی دیگر از فقها با آن مخالفت نمودند که البته این مخالفت هرگز نتوانست، رای اکثریت فقهای موافق بیمه را تحت الشعاع قرار داده و این صنعت حمایت فقه امامیه را نیز به خود گرفته و تاکنون گره گشای بسیاری از امور مسلمین گردیده است.

گسترش صنعت بیمه، بدون در نظر گرفتن قواعد و قوانین حقوقی امکان پذیر نخواهد بود. بدین لحاظ برخی عناصر به عنوان ویژگی‌های شکلی و ماهوی در صنعت بیمه انتخاب و بر روی آن مباحث متعددی انجام گردید این تلاش بدان جهت بود که منافع دو طرف عقد بیمه مورد توجه قرار گیرد، و از آنجایی که صنعت بیمه از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است و آحاد جامعه از آگاهی و اطلاع کمتری نسبت به قوانین حقوقی در این حوزه برخوردارند لذا سعی بر آن گردید تا با وضع قوانینی در حوزه ویژگی‌های صنعت بیمه، در این راستا اقدامات مناسبی انجام گردد. بیمه در فقه اسلامی نیز بر اصول و قواعدی منطبق است مانند قاعده ضمان، قاعده غرر، قاعده معوض بودن. از جمله قواعد فقهی که می‌توان در قراردادهای بیمه از آن بهره برد بحث قاعده ضمان است که در مجموعه این قاعده با توجه به گستردگی در مفهوم و اجراء، می‌تواند عامل مهمی در راستای استفاده از صنعت بیمه در کشور باشد در مجموعه با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که با استفاده از سایر قواعد فقهی می‌توان به صنعت بیمه کمک نمود تا شکوفا گردد. البته نکته حائز اهمیت این است که در فقه اسلامی برخی فقها با استناد به قواعدی همچون قاعده غرر، برخی از قراردادهای بیمه را صحیح نمی‌دانند اما قریب به اتفاق فقها در بکارگیری قواعدی هم چون قاعده ضمان و قاعده معوض بودن به اثرگذاری بیمه در زندگی اجتماعی افراد معتقد می‌باشند.



فهرست منابع

- احمدی، علی، ۱۳۸۶، مکاتیب الرسول، قم، انتشارات الثقلین
- ایزد پناه، مسیح، ۱۳۸۶، حقوق بیمه، جزوه درسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- آل شیخ، محمد، ۱۳۸۱، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه های عمر و مسئولیت مدنی، مجله صنعت بیمه، شماره ۳۵
- آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۴، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات سماء
- بابایی، ایرج، ۱۳۸۴، حقوق بیمه، تهران، انتشارات سمت
- بابایی، ایرج، ۱۳۸۷، نقد و بررسی یک رای داور در امور بیمه ای، فصلنامه صنعت بیمه شماره ۸۹
- بادینی، حسن، ۱۳۸۴، حقوق بیمه، تهران، انتشارات سمت
- جبباری، افسانه، ۱۳۸۱، بررسی تطبیقی فقهی-حقوقی قانون بیمه اجباری با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۱، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوازدهم
- خوشبخت، مریم، ۱۳۹۰، بررسی عقد بیمه در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، دانشگاه الزهرا
- روزه، بو، ۱۳۷۳، حقوق بیمه، ترجمه حیاتی، محمد، تهران، انتشارات بیمه مرکزی ایران
- شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ نخست، تهران، انتشارات نشر حقوقدان
- شیبانی، احمدعلی، ۱۳۸۹، تاریخچه پیدایش و تحول بیمه، تهران، انتشارات بین الملل
- صفایی، سید حسین، ۱۳۵۱، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، انتشارات موسسه عالی حسابداری
- عبدی، رسول، ۱۳۸۰، ویژگی های عقد بیمه، تهران، انتشارات یاسر
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، قواعد عمومی قراردادها، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار
- کریمی، آیت، ۱۳۷۷، بیمه اموال و مسئولیت، تهران، دانشکده امور اقتصادی
- محمود صالحی، جان علی، ۱۳۸۷، حقوق بیمه، تهران، انتشارات بیمه مرکزی ایران
- معزی، جعفر، ۱۳۸۶، حقوق بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات، آوند اندیشه